

## پیوند میان کد و ژنگان در سیاست خارجی افغانستان و پاکستان

علی سجاد مولایی<sup>۱</sup>

چکیده

بهره‌گیری و استفاده از مفاهیم سایر علوم، گاهی می‌تواند در فهم بهتر روابط سیاسی و بین‌المللی راه‌گشای پژوهش‌گران باشد. یکی از بهره‌های مفهومی که در رشته ژئوپلیتیک کاربرد یافته است، مفهوم «کد» و «ژنوم» ژئوپلیتیک است. ژنوم ژئوپلیتیک، نقشه ژنتیک سیاست هر کشور است که رفتار کشورها را در محیط داخلی، و به‌خصوص خارجی، تحت تأثیر قرار می‌دهد. کشورها ژنوم‌های سایر کنش‌گران را به عنوان کدهای ژئوپلیتیک در نظر می‌گیرند. این امکان می‌رود که تعامل یا تقابل کد و ژنوم کشورها، فضایی را شکل بدهد که می‌تواند در جهت یا خلاف جهت منافع ملی یا منطقه‌ای باشد. در این پژوهش به دنبال آن هستیم که مؤلفه‌های مؤثر ژئوپلیتیک را بر سیاست خارجی دو کشور بررسی نموده، به این پرسش پاسخ دهیم که این مؤلفه‌ها چه تأثیری بر سیاست خارجی دو کشور گذاشته است؟ در پاسخ به این پرسش می‌توان گفت که وجود ژنوم‌هایی چون خط مرزی دیورند، مواد مخدر، مهاجرت، تروریسم و بنیادگرایی، هیدروپلیتیک و تنش میان هند و پاکستان بر سیاست خارجی دو طرف تأثیر گذارند. این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که افغانستان نتوانسته است ژنوم‌های ژئوپلیتیکی مثبت خود را فعال کند و در مقابل پاکستان از این وضعیت سود برده است.

واژگان کلیدی: افغانستان، پاکستان، ژنوم، ژئوپلیتیک، سیاست خارجی، کد.

۱. پژوهش‌گر سیاست خارجی. (alisajad@yahoo.com)

## مقدمه

از بدو پیدایش پاکستان در سال ۱۹۴۷م تا کنون، افغانستان با همسایه جنوب شرقی خود دورانی پر از فراز و فرود را تجربه کرده است. دلیل اصلی تنش در روابط دو همسایه به خط مرزی دیورند برمی گردد که مورد ادعای حاکمان افغانستان بوده است. بر سر همین موضوع، دو کشور تا سرحد تعارض با یکدیگر پیش رفتند و افغانستان از پاکستان به سازمان ملل متحد شکایت کرد. در سال‌های هجوم شوروی، پاکستان از مجاهدین و نیروهای اسلام‌گرا در مقابل حکومت چپی کابل حمایت می‌کرد. با وجود این، پاکستان یکی از بازیگران مؤثر در سیاست افغانستان است و نیاز بر آن است تا پژوهش‌های بیش‌تری در مورد سیاست خارجی پاکستان در قبال افغانستان صورت بگیرد که از این طریق دستگاه دیپلماسی افغانستان بتواند تهدید و فرصت‌های ناشی از استراتژی‌های پاکستان را شناسایی کند. این پژوهش بر آن است تا کدها و ژنوم ژئوپلیتیکی مؤثر بر سیاست خارجی دو کشور را بررسی نماید و به این پرسش پاسخ ارائه کند که این مؤلفه‌ها چه تأثیری بر سیاست خارجی دو کشور دارند؟ این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است و منابع جهت نگارش این پژوهش به شیوه کتابخانه‌ای و الکترونیکی جمع‌آوری شده است.

ژنوم مفهومی است که ریشه در علوم زیستی/بیولوژی دارد. ژنوم در جانداران، واحدهای فیزیکی و کارکردی بنیادین وراثت است (GHR, 2015) که ویژگی و خصوصیات مختلف موجودات را معین و مشخص می‌کند. استفاده از این مفاهیم در روابط بین‌الملل و ژئوپلیتیک نیز می‌تواند در تحلیل روندها و معضلات و در توصیف، تبیین، پیش‌بینی کنش و رفتار بازیگران و تحلیل سیاست خارجی واحدها مفید واقع شود. همان‌گونه که هر شخص ژن‌ها و اثر انگشت خاص خودش را دارد، واحدهای سیاسی نیز مشخصه و مؤلفه خاص ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیک، ژئواستراتژیکی و امنیتی منحصر به فرد دارند که بر رفتار واحدها در سطح نظام بین‌الملل تأثیر می‌گذارند.

تعاریف متعددی از ژئوپلیتیک ارائه شده است؛ ژئوپلیتیک، مطالعه تأثیر عوامل ثابت جغرافیایی، سرزمینی، وسعت، موقعیت، شکل کشور و جمعیت، نهادهای سیاسی و قومیت بر تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری سیاسی است (عزتی، ۱۳۸۰: ۳). نیز درک حقایق محیط جغرافیایی به منظور رسیدن به قدرت؛ به شکلی که بتوان در بالاترین سطح وارد بازی جهانی شد و منافع ملی و



حیاتی را حفظ کرد (عزتی، ۱۳۸۰: ۸). همچنین، شیوه قرائت و نگارش سیاست بین‌الملل توسط قدرت‌های بزرگ است و تأثیر آن بر روندها و پویش‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی است (میرحیدر، ۱۳۷۷). «روشان دوئی ودی» معتقد است که ژئوپلیتیک عبارت از علم روابط بین‌فضا و سیاست است که می‌کوشد دانش جغرافیا را در خدمت سیاست‌گذاران و رهبران قرار دهد (Dewivedi, 2015: 5). «پیتر تیلور»، ژئوپلیتیک را توضیح قدرت میان قدرت‌های بزرگ و اصلی تعریف می‌کند (Taylor, 2010: 330). محمدرضا حافظ‌نیا، ژئوپلیتیک را چنین نتیجه‌گیری می‌کند: ژئوپلیتیک یعنی مطالعه رابطه میان جغرافیا، سیاست و قدرت (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ۸۵).

از بدو پیدایش پاکستان در ۱۹۴۷ تا کنون، رابطه دو کشور افغانستان و پاکستان در طی بیش از نیم قرن گذشته پرتلاطم بوده است. عوامل متعددی بر سیاست خارجی دو همسایه در جنوب آسیا سایه گذاشته و رابطه دو کشور را پرتنش ساخته است. در این پژوهش تلاش می‌کنیم تا با شناسایی این مؤلفه‌ها، تأثیر آن را بر سیاست خارجی دو کشور بررسی نماییم.

## ۱. مبانی نظری

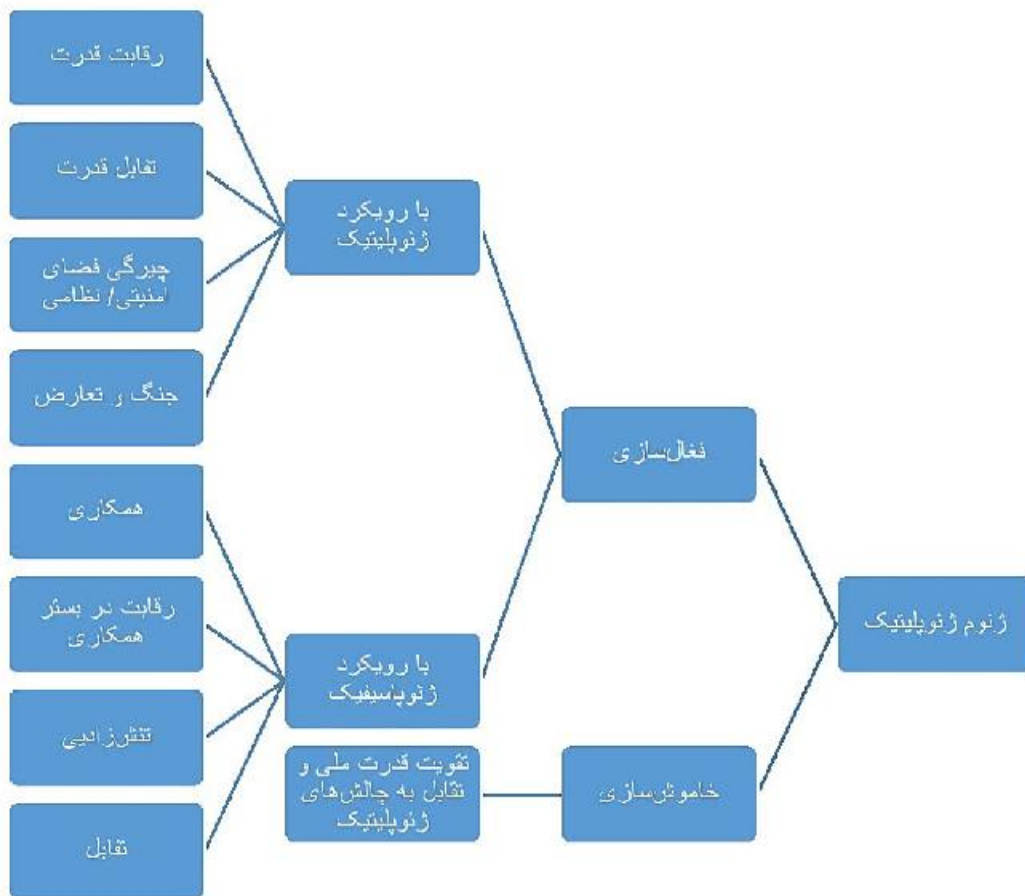
چارچوب نظری‌ای که در این پژوهش از آن بهره گرفته شده است، اولین‌بار توسط دکتر محسن خلیلی، استاد دانشکده علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مطرح شده است.

در علوم زیستی/بیولوژی، هر موجود زنده دارای یک سلسله بافت‌هایی است و هر بافت دارای سلول است و به همین ترتیب، هر سلول دارای واحدهای کوچک‌تری است که هسته نامیده می‌شوند. در یک نگاه دیگر، ژنوم همان رشته‌های ریز هستند که سلول‌ها را به هم اتصال می‌دهند و خصوصیات خاص به بافت و به همین صورت به موجود زنده می‌دهند (خلیلی و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۲). واحدهای سیاسی نیز به مثابه موجود زنده همواره در حال تغییر و تحول‌اند و بافت‌هایی نظیر دین، قوم، زبان، هیدرولوژی، وسعت و... یک واحد سیاسی را می‌سازند.

ژنوم‌ها می‌توانند به چهار صورت یا حالت باشند: ۱. ژن‌های همیشه خاموش، ژن‌هایی‌اند که در نقشه ژنتیک یک موجود وجود دارند؛ ولی توسط مهارکننده، مهار شده‌اند و بروز نمی‌یابند؛ ۲. ژن‌های مغلوب، ژن‌هایی‌اند که توسط ژن‌های غالب اجازه بروز نمی‌یابند؛ ۳. ژن‌های غالب، عبارت از ژن‌هایی‌اند که بروز یافته و در حال حاضر فعال‌اند؛ ۴. ژن‌های موقتاً خاموش، به ژن‌هایی اطلاق می‌شوند که وجود آن‌ها لازم است و در زمان معین خود بروز می‌کنند (خلیلی

و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۲).

رویکردهای فعال‌سازی/خاموش‌سازی در ژنگان سیاست خارجی کشورها وجود دارد. ژنوم‌ها تحت شرایطی (دیدم‌اسی، لیاقت، کارآیی و مهارت دیپلماتیک و ورزیدگی سیاسی دولت‌مردان و شهروندان، خرد رهبری و نخبگان سیاسی، دیکته سیاسی یک قدرت منطقه‌ای یا فرامنطقه‌ای، فضای استراتژیک حاکم بر منطقه، نوع نظام‌های سیاسی، تأثیرپذیری از پخش فرایندهای سیاسی) با رویکردهای دوگانه ژئوپلیتیک یا ژئوپاسیفیک، فعال‌سازی می‌شوند (فتحی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۲۷).



شکل ۱- فعال‌سازی ژنوم‌های ژئوپلیتیک (حیدری، ۱۳۹۴: ۱۱۳)

همان‌گونه که ژنوم‌ها، سازنده رفتار انسان‌ها و هر موجود زنده دیگر می‌باشند، ژنوم ژئوپلیتیک،



نقشه ژنتیک سیاست کشور است که بر رفتار واحدها در سطح ملی و بین‌المللی مؤثر است. طوری که انسان‌ها مطابق به نقشه ژنتیکی خود عمل می‌کنند، کشورها نیز از کدهای ژنتیک پیروی می‌کنند (خلیلی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۰۱).

ژنوم‌های یک کشور از طرف کشور رقیب یا همسایه به‌عنوان‌های کدهای ژئوپلیتیک قلمداد می‌شوند و در شکل‌دهی استراتژی سیاست خارجی یک کشور در قبال کشور رقیب مؤثراند؛ یعنی یک کشور بر اساس نقشه ژنتیک خود، سیاست خارجی خویش را ترتیب می‌کند و کشور رقیب با توجه به کدهای ژئوپلیتیک موجود در آن کشور، سعی در خنثی‌سازی استراتژی سیاست خارجی طرف مقابل دارد (خلیلی و دیگران (الف)، ۱۳۹۲: ۴۰).

درک درست از متغیرهای ژئوپلیتیکی برای تدوین سیاست خارجی کارآمد و مفید است. شناخت دقیق از محیط ژئوپلیتیکی به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا در اولویت‌بندی و تعیین خطوط سیاست خارجی دقت بیش‌تری داشته باشند و نظر به ژنوم‌های داخلی و کدهای خارجی، خطوط سیاست خارجی را ترسیم کنند.

## ۲. ژئوپلیتیک و سیاست خارجی

متغیرهای جغرافیایی از جمله عواملی‌اند که همواره مورد توجه سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران سیاست خارجی بوده و می‌باشد. در اواخر سده ۲۰ و توسعه تکنولوژی/فناوری، اکثریت تحلیل‌گران بر آن بودند که ژئوپلیتیک اهمیت گذشته را ندارد؛ اما نمی‌توان علوم ژئوپلیتیک را در تدوین سیاست خارجی مدنظر نگرفت؛ چون عوامل ژئوپلیتیک به گونه‌ای خود را بر نظام سیاسی تحمیل می‌کنند و داده‌های سیاست خارجی را تحت تأثیر قرار می‌دهند (قوام، ۱۳۸۹: ۹۲). رویکرد فراساختارگرا معتقد است که ژئوپلیتیک قبل از هر چیز در رابطه با ادراکات و تصورات جغرافیایی شکل‌دهنده سیاست خارجی می‌باشد (پیشگاهی‌فرد، ۱۳۸۸: ۹۶). هدف اصلی هر بازیگر ژئوپلیتیک، گسترش قلمرو، قلمرویی و قلمروسازی برای گسترش حوزه نفوذ و حوزه قدرت است (حافظ‌نیا، ۱۳۹۱: ۱۹۷).

سیاست خارجی به عنوان مجموعه اعمال از پیش طرح‌ریزی‌شده توسط تصمیم‌گیران، شامل دستیابی به اهدافی معین در چارچوب محیط بین‌المللی است. نمی‌توان نقش نیازهای داخلی را در تعیین اهداف سیاست خارجی نادیده گرفت و سیاست خارجی را از سیاست داخلی



جدا دانست. دسترسی به اهداف سیاست خارجی در بستر نظام بین‌المللی صورت می‌گیرد و استراتژی‌های سیاست خارجی در بستر نظام بین‌المللی به انجام می‌رسد (رضایی، ۱۳۸۷: ۱۸۳). یکی از پیش‌نیازهای مهم یک سیاست خارجی موفق، آگاهی و شناخت عمیق از منطقه است. ژئوپلیتیک با واکاوی مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده قدرت ملی کشورها، علایق گوناگون بازیگران، ریشه‌یابی بحران‌های منطقه‌ای و تحلیل جایگاه منطقه در ژئواستراتژی قدرت‌ها، درک لازم برای تدوین سیاست خارجی سنجیده را فراهم می‌نماید (حافظنیا و افشردی، ۱۳۸۱: ۱۹).

### ۳. ژنوم‌های ژئوپلیتیکی مؤثر بر سیاست خارجی افغانستان

مانند هر واحد سیاسی دیگر، ژنوم‌های مختلف چون موقعیت ژئوپلیتیک/ژئواستراتژیک، بی‌ثباتی سیاسی، مرزها، هیدروپلیتیک، مواد مخدر، مهاجران و پناهندگان، سیاست خارجی افغانستان را تحت تأثیر قرار داده‌اند.

#### الف. موقعیت ژئوپلیتیک

موقعیت جغرافیایی تأثیر بسزایی بر توانایی و قدرت یک دولت در اقتناع‌کردن، پاداش‌دادن، تنبیه‌کردن، چانه‌زنی و دیپلماسی و جنگ با دیگر کشورها دارد. به همین سبب، کنترل و اختیار داشتن مناطق استراتژیک امتیاز سترگ برای واحدهای سیاسی به شمار می‌رود. همسایگی با قدرت‌های بزرگ و کوچک نیز می‌تواند مزیت و تهدید به همراه داشته باشد (رحیمی، ۱۳۹۶: ۹۷-۹۸).

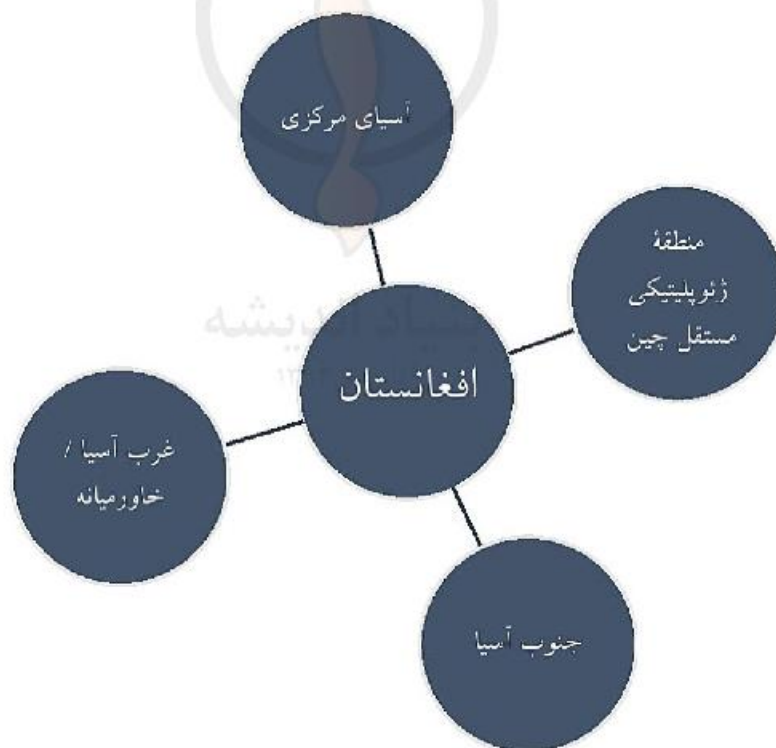
افغانستان از بدو پیدایش اهمیت ژئواستراتژیک داشته است. در دوره بازی بزرگ، افغانستان نقش حایل را میان بریتانیا و روسیه تزار بازی می‌کرد و از این لحاظ اهمیت استراتژیک داشت. این اهمیت استراتژیک در دوره جنگ سرد دوباره بروز یافت و برای بلوک شرق و غرب در راستای کاهش تهدید اهمیت داشت. با پایان جنگ سرد، افغانستان این اهمیت را از دست داد؛ اما رویدادهای یازده سپتامبر نقش حیاتی و مهمی در بازخیزی اهمیت افغانستان در سطح نظام بین‌الملل داشت (پیشگاهی‌فرد و رحیمی، ۱۳۸۷: ۱۰۷).

کشورهایی نظیر افغانستان، به دلیل داشتن موقعیت محصور در خشکی و نداشتن راه به آب‌های آزاد، همواره در یک نوع خفگی به سر می‌برند (رحیمی، ۱۳۹۶: ۹۸). این نوع موقعیت



می‌تواند هم جنبه‌های مثبت و هم جنبه‌های منفی داشته باشد؛ اما برای افغانستان جنبه‌های منفی آن بر جنبه‌های مثبت سنگینی می‌کنند. به این دلیل که نیازمندی‌های اقتصادی و امنیت، این کشورها را به همسایگان وابسته می‌کند و اگر روابط نیکی با همسایگان نداشته باشند، پیامد منفی برای کشورها دارد (عزتی، ۱۳۸۰: ۸۵).

«بری بوزان» و «الی ویور» معتقدند که افغانستان در هیچ مجموعه امنیتی قرار ندارد و این کشور به عنوان دولت عایق<sup>۱</sup> میان سه مجموعه امنیتی (آسیای مرکزی، خاورمیانه و جنوب آسیا) قرار دارد (Buzan and Weaver, 2003, 41). در مقابل نظریه بوزان و ویور، کارشناسان دیگر معتقدند که پویش‌های امنیتی بعد از ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱م، تأثیر امنیت افغانستان از تحولات جنوب آسیا، مواد مخدر، تروریسم و عضویت افغانستان در سازمان همکاری‌های جنوب آسیا (سارک<sup>۲</sup>) باعث شدند تا افغانستان از وضعیت عایق خارج و عضو منطقه جنوب آسیا شود (جعفری، ۱۳۹۰؛ فاطمی‌نژاد و محمدزاده، ۱۳۹۷؛ وثوقی و دیگران، ۱۳۹۳).



شکل ۲- موقعیت ژئوپلیتیکی افغانستان

1. Buffer State.
2. SARCC.

اهمیت ژئواکونومیک افغانستان در دوره‌های مختلف تاریخی مشهود بوده و راه‌های ترانزیتی مهمی از افغانستان عبور می‌کردند و به سمت شرق آسیا و جنوب آسیا امتداد داشتند که مثل تاریخی آن راه ابرایشم است. در حال حاضر، اهمیت ژئواکونومیک افغانستان بیش‌تر به دلیل این است که افغانستان نقش اتصال‌دهنده را میان جنوب آسیا و آسیای مرکزی در انتقال انرژی و گاز دارد و پروژه‌های متعدد وجود دارند که انرژی و گاز را از آسیای مرکزی به جنوب آسیا انتقال می‌دهند که افغانستان نقش دهلیز<sup>۱</sup> را ایفا می‌کند و اجرایی‌شدن این پروژه‌ها به اقتصاد افغانستان کمک فراوان خواهد کرد.



نقشه ۱- مسیر انتقال پروژه تاپی (دانش، ۱۳۹۶).

## ب. بی‌ثباتی سیاسی

ثبات سیاسی از عوامل مهم تأثیرگذار بر وزن ژئوپلیتیک است و دولت‌هایی که از ثبات خوبی برخوردارند، در اجرای سیاست‌های خود در داخل و خارج کشور موفق می‌باشند. افغانستان کشوری است که حداقل چهار دهه گذشته را در بی‌ثباتی به سر برده است. آغاز این بی‌ثباتی‌ها از کودتای چپ‌های طرفدار شرق شروع شده و پیامدهای آن برای افغانستان بسیار سنگین بود. در پی کودتای چپ‌ها، شوروی وارد افغانستان شد و در سوی دیگر ایالات متحده و کشورهای منطقه با تجهیز و تمویل گروه‌های جهادی، دولت مرکزی را سقوط دادند و حکومت مجاهدین نتوانست ثبات لازم را داشته باشد و در درون دچار انشعاب شد. درگیری میان مجاهدین زمینه را برای ظهور جریان افراطی طالبان مهیا کرد. حوادث ۱۱ سپتامبر، نقطه اتمام حکومت پنج ساله

1. Corridor.





طالبان بود و افغانستان وارد مرحله جدیدی شد (موسوی، ۱۳۸۸: ۹۵-۹۳). تنش میان نخبگان سیاسی نیز یکی از متغیرهای بی‌ثباتی در افغانستان است.

### ج. مرزها

مرز عامل تشخیص و جدایی یک واحد سیاسی از واحدهای مجاور است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۶۸). از جهتی مرزهایی که بر اثر استعمار و بدون در نظر گرفتن شرایط فرهنگی و اجتماعی شکل گرفته باشند، به عنوان مرزهای تحمیلی یاد می‌شوند. مرزهای جنوب افغانستان نیز از همین دسته‌اند. ماهیت تحمیلی مرزهای جنوبی سبب شده است تا تنش‌های متعددی میان افغانستان و پاکستان شکل بگیرد. این موضوع از بدو پیدایش پاکستان تا کنون از محور اصلی سیاست خارجی افغانستان بوده است (سجادپور و جهانپخش، ۱۳۹۶: ۲۷).

### د. هیدروپلیتیک

رشد جمعیت، تغییرات زیست‌محیطی و اقلیمی، جهانی‌شدن و تغییر در زندگی انسان‌ها باعث شدند تا مصرف بی‌رویه آب، در آینده به بحران و چالش عمده ملی و بین‌المللی مبدل شود. این امر باعث می‌شود تا آب به یک منبع تنش‌زا و از عناصر اصلی دیپلماسی و سیاست خارجی مبدل شود (انصاری، ۱۳۹۶: ۲۶).

در یک تعریف ساده از هیدروپلیتیک می‌توان گفت که هیدروپلیتیک عبارت از مطالعه وجود سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی آب است و هدف آن ارتقای سیاسی جوامع، امنیت منطقه‌ای، کامیابی، توسعه اقتصادی و نیز زیست‌محیطی است (عراقچی، ۱۳۹۳: ۹۷).

افغانستان با داشتن پنج حوزه آبی نسبتاً بزرگ (آمو، هلمند، غرب، شمال و کابل) نظر به دیگر کشورهای جهان و منطقه وضعیت خوبی دارد (انصاری، ۱۳۹۶: ۳۲). در حالی که امروزه آب می‌تواند در چانه‌زنی‌ها و گفت‌وگوهای بین‌المللی برای کشور فرادست مفید باشد؛ اما دولت‌مردان افغانستان تا کنون به این مهم توجه نکرده‌اند. افغانستان در حوزه شمال و آمو با همسایگان شمالی چالش عمده‌ای ندارد؛ اما در حوزه هلمند و غرب با ایران روی تقسیم حق‌آبه چالش طولانی‌مدت وجود دارد. در حوزه کابل نیز با پاکستان تنش وجود دارد. اما دولت‌مردان و دستگاه دیپلماسی افغانستان تا کنون از این پدیده در سیاست خارجی خود بهره نگرفته‌اند.



## هـ. مواد مخدر

بی‌ثباتی سیاسی، دولت مرکزی ضعیف / ورشکسته، جنگ‌های متعدد و فقر اقتصادی همه از عوامل داخلی بر رشد کشت و زرع مواد مخدر در افغانستان به شمار می‌روند. در چهار دهه گذشته، دولت مرکزی افغانستان بر بخشی از خاک کشور حاکمیت نداشته است و این سبب شده است تا حکومت‌های نظامی و گروه‌های نظامی محلی شکل بگیرند. درآمد اصلی این گروه‌ها از رهگذر کشت و انتقال مواد مخدر است؛ به طور مثال: گروه‌های جهادی در طی سال ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۱، سالانه تا ۸۰۰ تن مواد مخدر صادر می‌کردند (خلیلی و دیگران (ب)، ۱۳۹۲: ۴۹).



شکل ۳- تأثیر مواد مخدر بر بی‌ثباتی سیاسی (نگارنده)

تولید مواد مخدر در خاک افغانستان و تجارت جهانی آن دارای ساختار شبکه‌ای چنان گسترده و پیچیده است که می‌توانیم آن را ژئوپلیتیک مواد مخدر یاد کنیم. برخی از شاخصه‌های این عرصه ژئوپلیتیکی عبارتند از: گردش سه هزار میلیارد دلاری این صنعت و سود خالص ۵۰۰ میلیارد دلاری آن؛ وجود ساختار شبکه‌ای و بازیگران ملی، منطقه‌ای و جهانی؛ وجود کارتل‌ها، سازمان‌های مافیایی بین‌الملل به عنوان بازیگران اصلی این صنعت پرسود؛ مداخله کشورهای منطقه‌ای و جهانی در تداوم کشت و تولید؛ ناتوانی دولت مرکزی افغانستان و جامعه جهانی در امر مبارزه با کشت و تولید و منابع درآمد گروه‌های تروریستی نظیر طالبان و القاعده از آن. این‌ها همه و همه از جمله مهم‌ترین عوامل بی‌ثباتی و ناامنی سال‌های پسین افغانستان بوده‌اند.

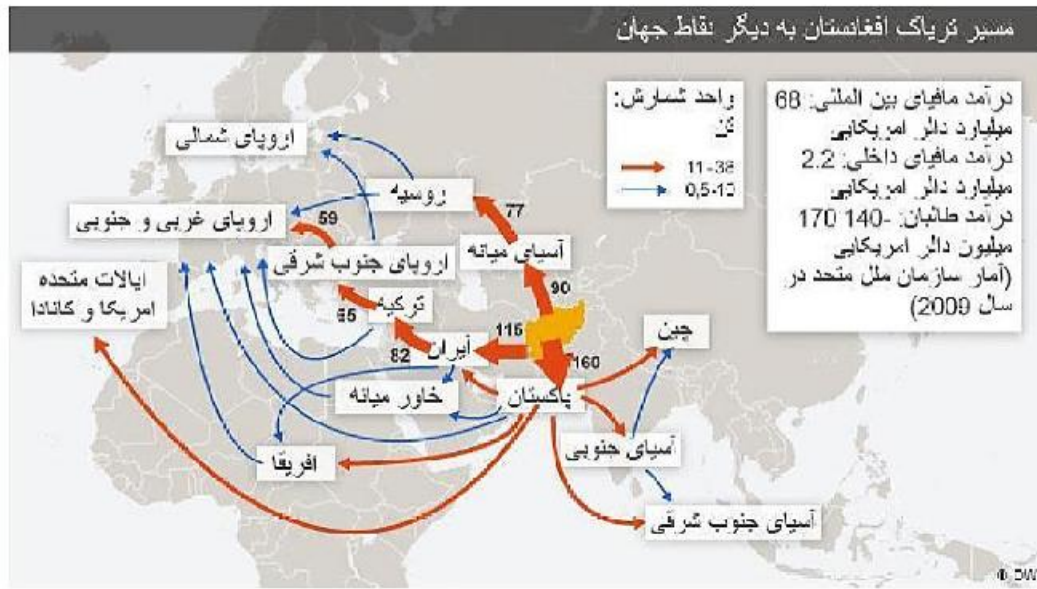




شکل ۴- بازیگران ژئوپلیتیک مواد مخدر (زرقانی و رضوی‌نژاد، ۱۳۹۲: ۶)

عدم/ضعف در کنترل مرزها میان افغانستان و همسایگان، فساد در نهادهای مربوط و حضور شبکه‌های گسترده مافیایی مواد مخدر، روند قاچاق را تسهیل می‌کند. تولید و قاچاق مواد مخدر از منابع اصلی عایداتی گروه‌های تروریستی است که امنیت ملی افغانستان را مختل می‌سازند (محمدی و غنجی، ۱۳۸۵: ۱۱۱-۱۰۷). مواد مخدر افغانستان از سه راه عمده وارد بازارهای جهانی می‌شود: نخستین مسیر، مسیر عمده انتقال مواد مخدر از افغانستان به پاکستان و سپس به سایر مناطق جهان است؛ دومین راه از طریق افغانستان به ایران و سپس به سایر مناطق جهان می‌رسد؛ سومین راه هم از طریق مناطق شمالی افغانستان به آسیای مرکزی و روسیه است.





نقشه ۲- مسیرهای اصلی و فرعی قاچاق مواد مخدر از افغانستان (DW, 2017)

## و. مهاجران و پناهندگان

چهار دهه جنگ در افغانستان باعث شد تا میلیون‌ها نفر به کشورهای همسایه و جهان آواره/مهاجر شوند. پاکستان و ایران بیش‌ترین تعداد مهاجران افغانستانی را در خود جا دادند و در بسیار از مواقع از آن منحنی ابزار فشار بر دستگاه دیپلماسی افغانستان استفاده می‌کنند.

## ۴. ژنوم‌های ژئوپلیتیکی مؤثر بر سیاست خارجی پاکستان

مانند سایر بازیگران نظام بین‌الملل، عوامل ژئوپلیتیکی و جغرافیایی مؤثر چون موقعیت استراتژیک، فرقه‌گرایی و احزاب، ژئوکالچر، گروه‌های فشار، هند و کشمیر، قدرت هسته‌ای، مسئله بلوچستان و پشتون‌ها بر سیاست خارجی پاکستان تأثیرگذارند.

## الف. موقعیت استراتژیک

از لحاظ ژئوپلیتیکی، پاکستان یک کشور نیم‌پهسته است و از طریق دریای عمان و اقیانوس هند به آب‌های آزاد راه دارد و این امر باعث شده تا پاکستان از موقعیت خوب ژئوپلیتیکی برخوردار باشد. جنگ افغانستان و تقابل شرق و غرب و حوادث یازده سپتامبر باعث شد تا اهمیت پاکستان برای قدرت‌های بزرگ دوچندان شود (دولت‌آبادی و عظیمی، ۱۳۹۴: ۸۸-۸۷).



از منظر نظریه «ریملنده»، پاکستان در منطقه ریملند واقع شده است و توانایی ترکیب قدرت بری و بحری را دارد و از این لحاظ اهمیت بسزایی دارد. پاکستان با موقعیتی که دارد، مهم‌ترین راه ترانزیتی آسیای مرکزی و افغانستان به آب‌های آزاد است و تجارت این کشورها بیش‌تر از این مسیر انجام می‌شود (محرابی و اقتدارنژاد، ۱۳۹۳: ۲۰۷). حوادث یازده سپتامبر باعث شد تا پاکستان به یکی از مهم‌ترین هم‌پیمانان ایالات متحده مبدل شود و بیش‌ترین اکمالات نیروهای خارجی در افغانستان از راه پاکستان صورت می‌گرفت (Yousaf and Tabassum, 2003)

### ب. فرقه‌گرایی و احزاب

تنش‌های فرقه‌ای و جنگ فرقه‌ای یکی از مشخصه‌های کشور پاکستان است. گروه‌های فرقه‌ای بر اساس عوامل دینی، قومی و مادی شکل گرفته‌اند و همواره با یکدیگر در تنش و درگیری هستند و در قبال یکدیگر احساس تنفر و انتقام‌جویی دارند. وجود این عناصر، جامعه پاکستان را به سمت بحران و تجزیه‌طلبی سوق داده است. فقدان دموکراسی و کودتای متعدد بیانگر نقش فرقه‌ها در سیاست پاکستان است (خلیلی و دیگران (الف)، ۱۳۹۲: ۱۰۱-۹۹)

احزاب پاکستان را می‌توان در دو دسته بنیادگرا و متمایل به غرب تقسیم کرد. ارتش تا قبل از ۲۰۰۱ متحد احزاب بنیادگرا بود؛ اما با تحولات ۱۱ سپتامبر، این رویکرد تغییر کرده است. مهم‌ترین احزاب پاکستان عبارتند از: حزب مردم پاکستان، تحریک انصاف، مسلم لیگ، حزب ملی عوامی، جنبش متحد قومی، جماعت اسلامی و احزاب استقلال‌طلب بلوچ و پشتون که در سیاست پاکستان نقش عمده را بازی می‌کنند.

### ج. کشمیر و هند

مهم‌ترین استراتژی منطقه‌ای پاکستان، دفاع خودی است. سیاست‌گذاران پاکستان به خوبی آگاهند که آن‌ها توانایی مقابل رو در رو با هند را ندارند. بدین جهت، استراتژی اصلی پاکستان اجتناب از هرگونه درگیری با هند است و در عوض ترجیح می‌دهند که واکنش سریع داشته باشند و تهدید را خنثی کنند. پاکستان و هند در دهه گذشته چندین بار با هم وارد درگیری شده‌اند که مهم‌ترین آن درگیری سال ۱۹۷۱ بود که به استقلال پاکستان شرقی، بنگلادیش امروزی، منتج شد (Kumar, 2019: 33; Muzaffar and Others, 2016: 63). پاکستان برای موازنه‌سازی با هند جانب چین را گرفته و در عوض چین نیز از موضع پاکستان در برابر هند حمایت می‌کند؛ چین و



پاکستان شریکان استراتژیک اند.

به عقیده کارشناسان، کشمیر در جنوب آسیا خطرناک‌ترین منطقه در روی زمین است. کشمیر همواره عامل اصلی تنش میان هند و پاکستان در هفت دهه گذشته بوده است. تعلق مذهبی و احساسی مردم پاکستان به کشمیر باعث شده است تا سیاست‌گذاران این کشور موضع سخت و غیر انعطاف‌پذیر اتخاذ کنند. از سوی دیگر، مردم کشمیر از سیاست‌های دولت پاکستان ناراضی‌اند. با این وصف، سیاست خارجی پاکستان با چالش بزرگ مواجه است (Akbar, 2011: 9).

#### د. قدرت هسته‌ای پاکستان

ورود کشورهای هند و پاکستان به جمع کشورهای هسته‌ای، سیمای استراتژیک جنوب آسیا را تغییر داده و در نتیجه عوامل جدید و سرنوشت‌سازی را وارد فضای استراتژیک نموده است. رقابت تسلیحاتی هند و پاکستان باعث شده است تا معمای امنیتی در شبه‌قاره شکل بگیرد. هر دو کشور هند و پاکستان عضو سازمان منع گسترش سلاح‌های کشتار جمعی نیستند که این امر، باعث می‌شود تا وضعیت پیچیده و مبهم شود. هسته‌ای شدن پاکستان و وجود گروه‌های متعدد اسلام‌گرا زنگ خطر برای امنیت منطقه‌ای است. وجود چنین عامل برای پاکستان در کنار تهدید، مزیت نیز دارد و در دیپلماسی و چانه‌زنی دست پاکستان را بازتر می‌گذارد (Khan, 2015: 23).

#### ه. استقلال‌طلبی پشتون‌ها و بلوچ‌ها

مناطق قبایل خودمختار یا فاتا<sup>۱</sup> در شمال پاکستان موقعیت دارد که توسط خط مرزی دیورند از افغانستان جدا شده‌اند. این خط مرزی مورد قبول افغانستان نمی‌باشد. فاتا شامل هفت ناحیه می‌شود که عبارتند از: مهمند، باجور، کورام، اورکزی، خیبر، وزیرستان شمالی و جنوبی. ساکنان این منطقه به طور عمومی پشتون‌اند و به صورت خودمختار اداره می‌شوند که دولت مرکزی و ایالتی در امور این منطقه مداخله نمی‌کنند. تا قبل از یازده سپتامبر، این مناطق تنها از لحاظ تنش میان افغانستان و پاکستان حایز اهمیت بود؛ اما بعد از حوادث یازده سپتامبر، این مناطق پناه‌گاه امنی برای گروه‌های تروریستی بوده و مورد توجه ایالات متحده نیز واقع شده است (Grare, 2006: 6-8). مردم این منطقه حکومت پاکستان را به رسمیت نمی‌شناسند و خواهان تشکیل

1. FATA.



حکومت مستقل پشتونستان هستند. بعضاً حکومت‌های افغانستان از جنبش‌های استقلال‌طلب پشتون‌ها حمایت کرده‌اند که این کار، واکنش تند پاکستان را همراه داشته است.

ایالت بلوچستان از لحاظ موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی برای پاکستان اهمیت ویژه‌ای دارد. بلوچستان با دو کشور ایران و افغانستان در شمال و غرب هم‌مرز است و از جنوب به آب‌های آزاد راه دارد که بندر گوادر در این ایالت واقع است. این بندر از جمله راه‌های عمده ترانزیت اموال به افغانستان و آسیای مرکزی می‌باشد. در بلوچستان نیز جریان استقلال‌طلبی وجود دارد که اکثراً از جانب هند و ایران حمایت می‌شوند. این امر سبب نگرانی دولت پاکستان شده است و همواره هند را در مداخله در امور داخلی پاکستان متهم کرده است.

## ۴. بنیادگرایی

بنیادگرایی یکی دیگر از مؤلفه‌هایی است که بر سیاست خارجی پاکستان تأثیرگذار می‌باشد. عوامل داخلی که در تکوین بنیادگرایی در پاکستان مؤثر بوده‌اند، عبارتند از: بحران سیاسی ناشی از رقابت میان احزاب و نظامیان، بحران اقتصادی، بحران اجتماعی و از هم‌گیسختگی فرهنگی. عوامل منطقه‌ای که در رشد بنیادگرایی در پاکستان مؤثر بودند را نیز می‌توان بیش‌تر در گروه تنش‌های منطقه‌ای پاکستان دانست. پاکستان در کشمیر از گروه‌های تندرو حمایت می‌کند تا از این طریق بتواند بر هند فشار بیش‌تر وارد کند. در افغانستان، پاکستان از زمان هجوم شوروی به افغانستان، از گروه‌های اسلامی حمایت می‌کرد تا از این طریق بتواند به اهداف خود در افغانستان و آسیای مرکزی برسد. و از جهتی عربستان سعودی به دلایل مختلف از بنیادگرایی در پاکستان حمایت می‌کند. وجود مدارس دینی دیوبندی که شباهت‌های زیادی با وهابیت دارد، از یک‌سو و از سوی دیگر پاکستان با ایران مرز مشترک دارد و رشد بنیادگرایی در پاکستان می‌تواند بر امنیت ایران نیز تأثیرگذار باشد (مسعودنیا و نجفی، ۱۳۹۰). اوج تأثیرگذاری گروه‌های بنیادگرا بر سیاست خارجی پاکستان در زمان ضیاءالحق برمی‌گردد.

## ۵. رفتار دو کشور در سیاست خارجی

### الف. سیاست خارجی افغانستان

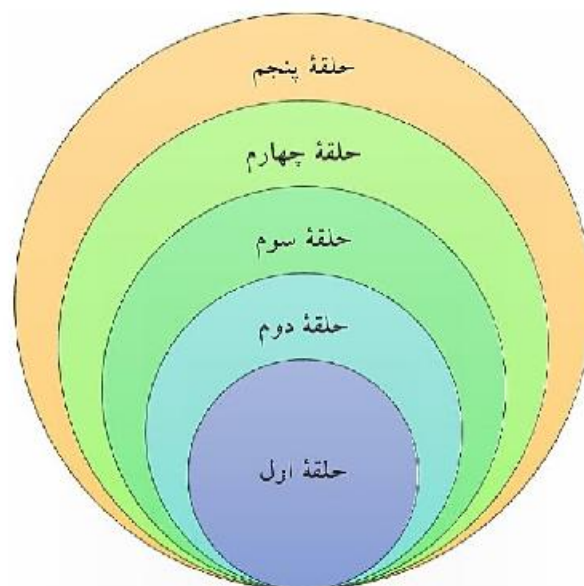
سیاست خارجی افغانستان از زمان شکل‌گیری افغانستان جدید در زمان پادشاهی امیر



عبدالرحمن خان تا استقلال آن در زمان امان‌الله خان، تحت تأثیر سیاست‌های بریتانیا بود؛ اما با کسب استقلال در سال ۱۹۱۹م، سیاست خارجی افغانستان به صورت مستقل شکل گرفت و خروج از انزوا و تحکیم روابط با سایر دول جهان اهداف اصلی سیاست خارجی امان‌الله خان را تشکیل می‌داد (عارفی، ۱۳۹۶: ۱۶۱؛ سجادی، ۱۳۹۷: ۱۴۵-۱۴۰).

در دوران پساامانی تا زمان حکومت جریان چپ در افغانستان، بی‌طرفی الگوی حاکم بر سیاست خارجی افغانستان بود. با روی‌کارآمدن چپ‌ها، سیاست خارجی افغانستان متحول و الگوی بی‌طرفی در سیاست خارجی افغانستان نقض شد. به عقیده نصیراحمد اندیشه، هر از گاهی که افغانستان از الگوی بی‌طرفی در سیاست خارجی‌اش عدول کرده است، پیامد منفی برای افغانستان داشته است (اندیشه، ۱۳۹۶: ۱۰۳).

بعد از حوادث یازده سپتامبر، دوباره الگوی بی‌طرفی بر سیاست خارجی افغانستان حاکم شد و افغانستان دوباره اهمیت ژئوپلیتیکی خود را بازیافت. در دوران حکومت آقای غنی، سیاست خارجی افغانستان بر مبنای پنج حلقه تعریف شده بود که از آن به عنوان پنج حلقه وصل نیز یاد شده است. حلقه اول شامل همسایگان، حلقه دوم کشورهای اسلامی، حلقه سوم آمریکا و اروپا، حلقه چهارم کشورهای آسیایی و حلقه پنجم سازمان‌های بین‌المللی می‌باشد (رحمانی، ۱۳۹۶: ۸۸-۸۹).



شکل ۵- حلقه سیاست خارجی افغانستان (نگارنده)





آقای غنی - با توجه به وضعیت نظام بین‌الملل - در سیاست خارجی خود با انتخاب‌های دشوار روبه‌رو بود. آقای غنی میان ایران و عربستان در خاورمیانه و روسیه و ایالات متحده در سطح نظام بین‌الملل باید یک سمت را انتخاب می‌کرد که این سبب می‌شد تا افغانستان الگوی بی‌طرفی را کنار نهاده و الگوی اتحاد و ائتلاف را دنبال نماید. آقای غنی در ساعات اولیه حکومت خود موافقت‌نامه استراتژیک را با آمریکا امضا کرد و در اولین سفر رسمی خود، پس از سوگند، به عربستان سعودی رفت و در جنگ یمن از عربستان سعودی حمایت کرد (جعفری و مولایی، ۱۳۹۷: ۱۸۳-۱۸۲).

سیاست خارجی افغانستان همواره از موقعیت ژئوپلیتیکی افغانستان متأثر بوده است. محصور بودن افغانستان در خشکی و وابسته‌بودن افغانستان به کشورهای همسایه جهت واردات و صادرات، تأثیر منفی بر سیاست خارجی افغانستان گذاشته است. بیش‌ترین تجارت افغانستان از طریق بندر گوادر صورت می‌گیرد. این امر باعث وابستگی شدید افغانستان به پاکستان و به ابزار فشار برای پاکستان مبدل شده است. اما در سال‌های اخیر، افغانستان به دنبال گزینه بدیل برای بندر گوادر رفته است که یکی از این گزینه‌های بدیل، بندر چابهار در جنوب ایران است (توحیدی و طباطبایی‌پناه، ۱۳۹۷: ۱۰۲).



نقشه ۳- مسیر بندر گوادر و چابهار (جعفری و مولایی، ۱۳۹۷: ۱۸۵)

جست‌وجو برای مسیرهای بدیل بیانگر این مسئله است که افغانستان به دنبال خارج‌شدن از وابستگی به پاکستان است.

جدول ۱- ژنوم‌های ژئوپلیتیکی و تأثیر دوجانبه آن‌ها بر سیاست داخلی و خارجی افغانستان

پیامدها	کدهای ژئوپلیتیکی تأثیرگذار بر رزابط کشورها با افغانستان	ژنوم‌های ژئوپلیتیکی مؤثر بر سیاست خارجی افغانستان
تداوم بی‌ثباتی، فقر، توسعه‌نیافتگی و قاچاق مواد مخدر	عرصه رقابت برای کشورهای جهان و منطقه	بی‌ثباتی و حکومت ضعیف
تشدید بحران و ناامنی در مرزها و سردشدن روابط با همسایه	شکل‌گیری ژئوپلیتیکی قومیت و بروز حرکت‌های گریز از مرکز و واگرایانه	مرزهای تحمیل جنوب و شرق
بروز جنگ داخلی، حضور بازیگران متعدد و تداوم بی‌ثباتی	نفوذ سیاسی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در افغانستان	موقعیت حایل
اهرم فشار علیه ایران و پاکستان	گروگان سیاسی افغانستان در راستای ژئوپلیتیک افغانستان	هیدروپلیتیک
متأثرشدن از تحولات منطقه‌ای و فرودستی در دیپلماسی	وابستگی شدید به همسایه	محصور بودن در خشکی
ناامنی، تجارت غیر قانونی، قاچاق و فساد	نفوذ بازیگران غیر دولتی، کارتل‌های جهانی و نگرانی‌های جهانی از افزایش تولید	ژئوپلیتیک مواد مخدر
فشار سیاسی بر دولت افغانستان	عدم اجتماع‌پذیری آن‌ها	مهاجران

## ب. سیاست خارجی پاکستان

از بدو پیدایش پاکستان در ۱۹۴۷م تا کنون، سیاست خارجی این کشور از موقعیت ژئوپلیتیکی این کشور و نیز بلوک‌بندی‌های بین‌المللی متأثر بوده است. پاکستان در دوران جنگ سرد، متحد استراتژیک ایالات متحده و عضو پیمان ستو<sup>۱</sup> بود. در دوران جنگ سرد، پاکستان نقش فعالی در تحولات منطقه‌ای بازی کرد و در زمین‌گیر کردن شوروی در افغانستان در کنار عربستان سعودی و آمریکا نقش اساسی داشت (شفایی، بی‌تا). عنصر هند و کشمیر از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین

1. Central Treaty Organization.

عناصر در سیاست خارجی پاکستان بوده و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی پاکستان در اکثر اوقات از این دو عنصر متأثر است. هرچند در ظاهر دولت فدرال مجری سیاست خارجی است؛ اما در عمل سیاست خارجی پاکستان در گرو سه گروه (فرماندهان ارشد ارتش، گروه‌های فشار و سرویس اطلاعاتی) است. وقوع چهار کودتای نظامی از زمان استقلال تا کنون دال بر نقش ارتش در سیاست پاکستان است (بزرگزاده و نوری ساری، ۱۳۹۶: ۱۴۰).

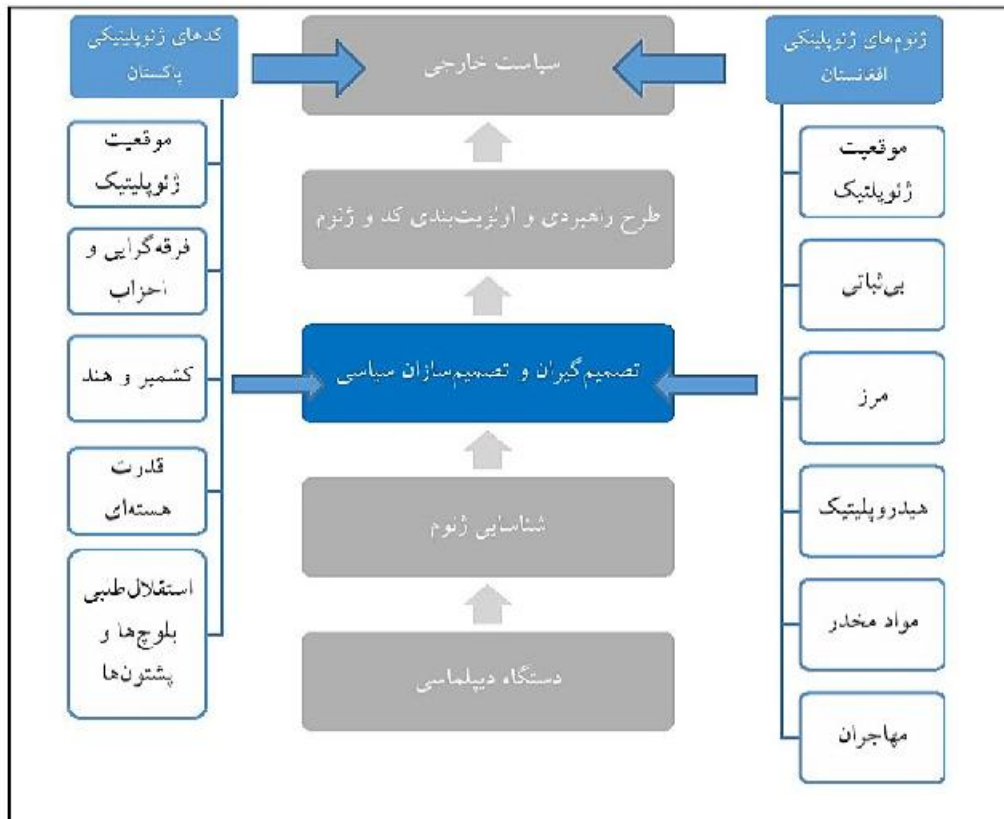
سرتاج عزیز، مشاور سیاست خارجی و امنیت ملی دولت نواز شریف، در کتابی با عنوان «در میان رویاها و حقیقت‌ها»، پرده از نقش ارتش در سیاست خارجی پاکستان برمی‌دارد. او می‌گوید: «زمانی که به حیث وزیر خارجی در دوره نخست‌وزیری پرویز مشرف به منظور حل تنش به هند سفر کردم، پیش از سفر آقای مشرف تأکید که گزینه عقب‌نشینی وجود ندارد.» (Aziz, ۲۰۰۹: ۲۴۱).

سیاست خارجی پاکستان در قبال همسایگان همواره دوگانه بوده است؛ به طور مثال: از سال ۲۰۰۱م، پاکستان شریک استراتژیک ایالات متحده در امر مبارزه با تروریسم بوده است؛ اما به طور پنهانی، استراتژی تمویل گروه‌های بنیادگرا را ادامه داده است. فشار ایالات متحده بر پاکستان باعث شده است تا دولت جدید پاکستان، به رهبری عمران خان، سیاست موازنه‌گیری با ایالات متحده را دنبال و به سمت چین حرکت کند. نزدیکی پاکستان با چین به منظور کنترل هند در منطقه صورت گرفته است و از سوی دیگر، هند نقش مرکزی را در سیاست خارجی دولت ترامپ در منطقه جنوب آسیا بازی می‌کند (عرفانی، ۱۳۹۶: ۷۰).

پاکستان در سیاست خارجی خود همواره از ایجاد بحران در منطقه حمایت کرده است. پاکستان با کمک‌کردن به گروه‌های جهادی در افغانستان تلاش می‌کند این کشور را ناامن کند تا این کشور درگیر مسائل داخلی خودش شود و از ادعای مرزی خود بگذرد. پاکستان با ناامن کردن مرزهای غربی خود، ایران، بر این کشور فشار می‌آورد تا سطح روابط خود را با هند کاهش بدهد. پاکستان با تمویل گروه‌های تروریستی در کشمیر، در صدد ناامن‌سازی این منطقه نیز هست تا فضا را برای هند تنگ‌تر کند (بزرگزاده و نوری ساری، ۱۳۹۶: ۱۳۳).



مدل ۱- تقابل کد و ژنوم در سیاست خارجی افغانستان و پاکستان



### نتیجه‌گیری

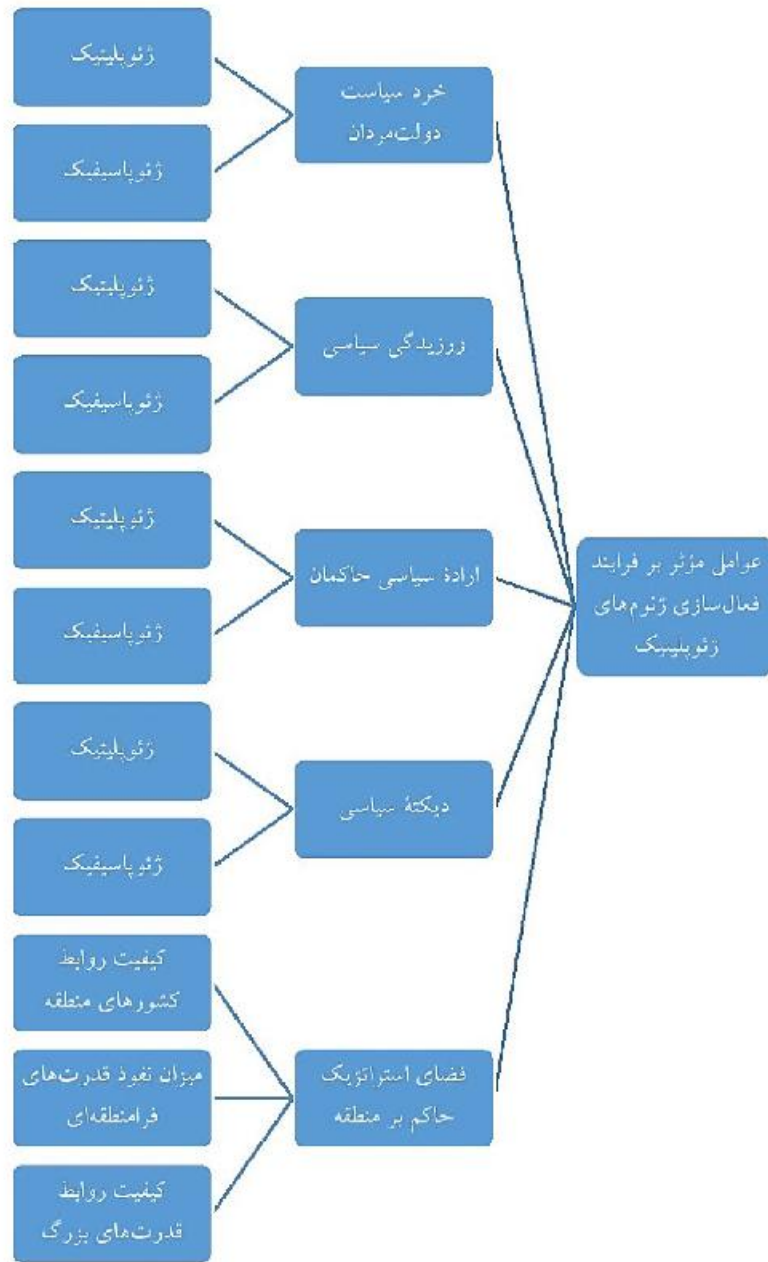
مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی متعددی بر چند و چون سیاست خارجی افغانستان و پاکستان مؤثرند. این ژنوم‌های وابسته به هم از بافت‌های ژئوکالچر، ژئواستراتژیک و هیدروپلیتیک نشأت می‌گیرند. پیوند و گره‌خوردگی میان این ژنوم‌ها نیازمند یک دید جامع‌نگر جهت استفاده از آن‌ها در اتخاذ استراتژی است. نگارنده کوشیده تا با تحلیل کدها و ژنوم‌های ژئوپلیتیک، الگوی نظری را برای نمایان‌سازی نحوه تأثیرگذاری این مؤلفه‌ها بر سیاست خارجی کشورهای افغانستان و پاکستان ارائه نماید.

وجود وضعیت هابزی میان دولت افغانستان و پاکستان که از تقابل کدها و ژنوم‌های ژئوپلیتیک دو کشور تأثیر پذیرفته، روابط این دو کشور را نسبت به یکدیگر شکل می‌دهد. هر دو کشور تلاش دارند تا با استفاده از توانمندی و ظرفیت‌های ژن‌های ژئوپلیتیک خود، در پی تأمین منافع ملی و امنیت خود باشند. وجود ژنوم موقعیت عایق و استراتژیکی افغانستان و نیز بی‌ثباتی سیاسی



سبب شده است تا این کشور به میدان رقابت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مبدل شود. محصور بودن افغانستان در خشکی و ببری بودن این کشور سبب وابستگی افغانستان به پاکستان شده و باعث شده است تا پاکستان از ژنوم منفی در راستای فشار استفاده کند.

دولت‌ها از ژن‌های خود در جهت داشتن سیاست خارجی بهره می‌برند و تلاش می‌کنند تا ژنوم‌های منفی کشور رقیب را در منطقه فعال و در عوض ژنوم‌های منفی خود را غیر فعال و ژنوم‌های مثبت‌شان را فعال نمایند تا به بازیگر رقیب اجازه ندهند که بر اساس ژنوم‌های منفی، سیاست خارجی و استراتژی خود را طرح نمایند. دولت‌ها می‌توانند از ژنوم‌های خود در راستای منزوی ساختن رقیب استفاده نمایند؛ به طور مثال: ژنوم موقعیت ژئوپلیتیکی افغانستان می‌تواند ژنوم موقعیت ژئوپلیتیک پاکستان را غیر فعال و در تحولات منطقه‌ای نقش فعال‌تر بازی کند؛ اما تا کنون افغانستان نتوانسته است این ژنوم را فعال کند. به همین ترتیب، درک و تحلیل دقیق از مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی می‌تواند سیاست داخلی را سامان‌دهی کند و مبنای مستحکم در سیاست خارجی باشد. برای فعال‌سازی ژنوم‌های مثبت و خاموش کردن ژنوم‌های منفی چند عامل وجود دارد که عبارتند از: خرد سیاسی رهبران، ورزیدگی سیاسی، اراده سیاسی حاکمان، دیکته سیاسی و فضای استراتژیک منطقه.



شکل ۵- الگوی عوامل مؤثر بر فعال سیاسی ژنوم های مثبت

### منابع

۱. امسال تولید تریاک در افغانستان به ریکارد تازه ای رسیده است (۲۰۱۷). قابل دسترسی در: <https://www.dw.com/fa-af>
۲. اندیشه، نصیر احمد (۱۳۹۶)، «بسی طرفی در سیاست خارجی افغانستان»، ترجمه علیرضا شریفی، فصلنامه اندیشه معاصر، سال سوم، شماره ۹.



۳. انصاری، فاروق (۱۳۹۶)، «میدروپلیتیک و تأثیر آن بر روابط افغانستان و پاکستان»، فصلنامه اندیشه معاصر، سال سوم، شماره ۹.
۴. بزرگراه، مهدی و حجت‌الله نوری ساری (۱۳۹۶)، «چارچوبی برای درک سیاست خارجی پاکستان»، فصلنامه روابط خارجی، سال نهم، شماره ۴.
۵. پیشگاهی فرد، زهرا و سردارمحمد رحیمی (۱۳۸۷)، «جایگاه افغانستان در ژئواستراتژی نظام نوین جهانی»، نشریه تحقیقات علوم کاربردی جغرافیایی، ج ۸، دوره ۱۱.
۶. پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۸۸)، مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۷. توحیدی، زهرا و سید علی طباطبایی پناه (۱۳۹۷)، «رقابت چابهار و گوادری: از تصور تا واقعیت»، فصلنامه روابط خارجی، سال دهم، شماره ۳۹.
۸. جعفری، محمدموسی (۱۳۹۰)، حضور افغانستان در مجموعه امنیتی منطقه جنوب آسیا و تأثیر آن بر خروج از وضعیت عایق پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، مرکز مطالعات استراتژیک افغانستان، وزارت خارجه.
۹. جعفری، محمدموسی و علی سجاد مولایی (۱۳۹۷)، «موازنه تهدید ایران و عربستان و سیاست خارجی افغانستان»، فصلنامه نگاه معاصر، سال اول، شماره ۱.
۱۰. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۷۹)، «تعریفی نواز ژئوپلیتیک»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، دوره ۱۵، شماره ۳ و ۴.
۱۱. حافظ‌نیا، محمدرضا و محمدحسین افشردی (۱۳۸۱)، «تحلیل ژئوپلیتیک قفقاز بستری برای تدوین سیاست خارجی مناسب‌تر در منطقه»، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۲.
۱۲. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، «تحلیل کارکردی مرزهای بین‌المللی: مرز افغانستان و ایران»، فصلنامه مدرس، دوره دهم، شماره ۲.
۱۳. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۱)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. مشهد، پایلی.
۱۴. حیدری، جهانگیر (۱۳۹۴)، «زمینه‌های ژئوپلیتیک تحول در سیاست خارجی ترکمنستان»، فصلنامه جغرافیای سیاسی، سال اول، شماره ۲.
۱۵. خلیلی، محسن (۱۳۹۰)، «بن‌مایه دگرگون‌شونده ژنوم ژئوپلیتیک در خاورمیانه عربی»، مجموعه مقالات همایش اسلام و تحولات خاورمیانه، تهران.
۱۶. خلیلی، محسن و دیگران (۱۳۹۱)، «آینده پژوهی سیاست خارجی: کد/ژنوم‌های ژئوپلیتیک ایران و همسایگان»، فصلنامه مطالعات آینده‌پژوهی، سال اول، شماره ۳.
۱۷. خلیلی، محسن و دیگران (۱۳۹۳)، «ژنوم‌های ژئوپلیتیک تأثیرگذار بر کدهای رفتاری در سیاست خارجی ایران و روسیه»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره سوم، شماره ۱.
۱۸. خلیلی، محسن و دیگران (الف) (۱۳۹۲)، «پیوند ژنگان ژئوپلیتیک و سیاست خارجی: نمونه پژوهشی ایران و پاکستان»، فصلنامه مطالعات شبه‌قاره، سال پنجم، شماره ۱۷.
۱۹. خلیلی، محسن و دیگران (ب) (۱۳۹۲)، «پیوند کد و ژنوم ژئوپلیتیک در سیاست خارجی: مطالعه موردی افغانستان و ایران»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره ۹.
۲۰. دانش، ضیا (۱۳۹۶)، پروژه «تاپی»: گامی برای رونق اقتصادی، اشتغال و صلح در افغانستان. قابل دسترسی در: <https://www.bbc.com/persian/afghanistan> -43014915
۲۱. دولت‌آبادی، سید محمدرضا شمس و سید رضا عظیمی (۱۳۹۴)، «تأثیر عوامل ژئوپلیتیکی کشور پاکستان در تدوین راهبردهای دفاعی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، شماره ۶۲.
۲۲. رحمانی، عقیده نوگس (۱۳۹۶)، آمریکا انزواگرایی جدید و آینده افغانستان، کابل، انتشارات امیری.



۲۳. رحیمی، سردارمحمد (۱۳۹۶)، ژئوپلیتیک افغانستان در قرن بیستم، کابل، نشر واژه.
۲۴. رضایی، علیرضا (۱۳۸۷)، «تبیین مطلوب و کارآمد از سیاست خارجی در بستر نظام بین‌المللی»، راهبرد یاس، شماره ۱۴.
۲۵. زرقانی، سید هادی و مرتضی رضوی‌نژاد (۱۳۹۲)، «ژئوپلیتیک مواد مخدر و تأثیر آن بر امنیت مرزی و مناطق مرزی شرقی»، فصلنامه پژوهشنامه جغرافیایی انتظامی، سال اول، شماره ۱.
۲۶. سجادی‌پور، سید محمدکاظم و محمدتقی جهان‌بخش (۱۳۹۶)، «بررسی پیوند میان کد و ژنوم در سیاست خارجی روسیه و افغانستان»، فصلنامه آسیای مرکزی قفقاز، شماره ۹۹.
۲۷. سجادی، عبدالقیوم (۱۳۹۷)، سیاست خارجی افغانستان، کابل، انتشارات دانشگاه خاتم‌النبین.
۲۸. شفايي، امان‌الله (بی‌تا)، جایگاه و نقش پاکستان در سیاست خارجی آمریکا، مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، قابل دریافت در: [www.tisri.org](http://www.tisri.org)
۲۹. عارفی، محمداکرم (۱۳۹۶)، «سیاست خارجی دوران امان‌الله»، فصلنامه دانشگاه کاتب، سال چهارم، شماره ۶.
۳۰. عراقچی، سید عباس (۱۳۹۳)، «دیپلماسی آب، از منازعه تا همکاری»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ۳، شماره ۴.
۳۱. عرفانی، محمدقاسم (۱۳۹۶)، «اهداف راهبرد آمریکا در افغانستان و جنوب آسیا» فصلنامه اندیشه معاصر، سال سوم، شماره ۹.
۳۲. عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۰)، ژئوپلیتیک، تهران، انتشارات سمت.
۳۳. فاطمی‌نژاد، سید احمد و علیرضا محمدزاده (۱۳۹۷)، «بررسی جایگاه افغانستان جدید در مجموعه امنیتی از آسیای مرکزی تا آسیای جنوبی»، فصلنامه مطالعات اوراسیا، دوره ۱۱، شماره ۴.
۳۴. فتحی، محمدجواد و دیگران (۱۳۹۷)، «پیوند کد و ژنگان ژئوپلیتیک در سیاست خارجی: مطالعه مورد ج.ا.ایران و عربستان سعودی»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ششم، شماره ۲۴.
۳۵. قوام، عبدالعلی (۱۳۸۹)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران، انتشارات سمت.
۳۶. محرابی، علیرضا و محمد اقتدارنژاد (۱۳۹۳)، «مدل تبیین ژئوپلیتیک پاکستان در حوزه رقابت و همکاری با جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات شبه‌قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال ششم، شماره ۲۰.
۳۷. محمدی، حمیدرضا و محمد غنچه (۱۳۸۵)، «چالش‌های ژئوپلیتیکی مواد مخدر در جنوب غرب آسیا (با تأکید بر ایران، پاکستان و افغانستان)»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره ۱.
۳۸. مسعودنیا، حسین و داود نجفی (۱۳۹۰)، «عوامل مؤثر بر تکوین و رشد بنیادگرایی در پاکستان»، فصلنامه مطالعات شبه‌قاره، سال سوم، شماره ۸.
۳۹. موسوی، رسول (۱۳۸۸)، «ریشه‌یابی بحران افغانستان؛ مسئله مرزهای جنوبی»، فصلنامه روابط خارجی، سال اول، شماره ۴.
۴۰. میرحیدر، دره (۱۳۷۷)، مبانی جغرافیایی سیاسی، تهران، انتشارات سمت.
۴۱. وثوقی، سعید و دیگران (۱۳۹۳)، «تبیین جایگاه افغانستان به عنوان کانون چند زیر سیستم منطقه‌ای با تأکید بر منطقه آسیای جنوبی و نقش هندوستان»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۷.
42. Akbar, Muqarrab (2011). Pakistan's Foreign Policy: Internal Challenges in New Millennium. Berkeley Journal of Social Sciences Vol. 1, No. 2.
43. Aziz, Sartaj (2009). Between Dreams and Realities: Some Milestones in Pakistan History. London: Oxford University press.





44. Buzan, Barry and Ole Weaver (2003) *Regions and Powers: The Structure of International Security*. Cambridge: Cambridge University Press.
45. Dwivedi, Roshan L. (2010). *Fundamentals of Political Geography*, Allhabad: Chaitanya Publishing House.
46. Grare, Frédéric (2006). *PAKISTAN AFGHANISTAN RELATIONS IN THE POST-9/11 ERA*. Carnegie Endowment for International Peace.
47. GHR (Genetic Home Reference) (2015). "What is a Gene", Available at: <http://ghr.nlm.nih.gov/handbook/basics/gene>
48. Khan, Raja Muhammad (2015). *FOREIGN POLICY OF PAKISTAN IN THE CHANGING REGIONAL AND GLOBAL SETTINGS*. *Journal of Contemporary Studies*, Vol. IV, No.1.
49. Kumar, Sumita (2019). *Pakistan Foreign Policy; Challenges and Trends*. IDSA Occasional Paper No. 54, Institute for Defense Studies and Analyses, New Delhi.
50. Muzaffar, Muhammad and Others (2016). *Pakistan Foreign Policy: Initial Perspectives and Stages*. *Global Regional Review*, Vol 1, No 1.
51. Taylor, Peter J. (2010). *Political Geography: World-Economy, Nation-State, Locality*, 6th edition, New York: Routledge.
52. Yousaf, Sajeela and Shaista Tabassum (2003). *Foreign Policy of Pakistan: Challenge and Opportunity*. *Journal of Independent Studies and Research*, Vol, 1. No 2.

